

مزرعه کشاورزی بولوار اندیشه، جایی است که به اهالی حس تعلق خاطر داده است

ریشه دار شدن در محله

۱۰ سمیرا شاهیان مدتی است که از «محل عبور» به «محل ماندن» تبدیل شده. اهالی خوش ذوق اینجا دور هم جمع می شوند و در هیاهوی فضای شهری، کشاورزی می کنند. نشانی اش انتهای بولوار اندیشه در پارک نیلوفر آبی است. «نیلوفر آبی» این روزها دیگر فقط یک پارک محلی نیست؛ پاتوق علاقه مندان به کشت و کار است. حالا که در عصر دیجیتال، حس مشارکت و احوالپرسی بین همسایه ها کم رنگ تر از گذشته شده. در این پارک، ایده های جوانه زده است که می خواهد اهالی محله را با طبیعت و صدا البته با هم پیوند بدهد. مزرعه کشاورزی شهری، تا سال گذشته فقط مرکز برای پناه گلدان های آسیب دیده بود. اما اکنون دارد به بستری برای شکل گیری هویت محله تبدیل می شود؛ جایی برای آموزش کشاورزی، همکاری و تعاون همسایگان، ساختن حس تعلق خاطر به محل زندگی و همه آن ویژگی هایی که محله ها و مردم قدیم با آن زنده بودند.



یکی از خانم های فعال در مزرعه، اکرم مولزاده، کارشناس ارشد مشاوره خانواده است. او و سایر افراد از اولین کسانی بودند که کرت گرفتند. او اکنون سه کرت را با همسرش اداره می کند و توضیح می دهد: وقتی خانم های محله را دیدم که با حضور در مزرعه، روحیه شان بهتر می شود، تصمیم گرفتم از تخصصم استفاده کنم و کلاس های مشاوره رایگان برگزار کنم. اینجا یک کلاس وجود دارد که دوره های آموزشی باغبانی و موارد مشابه در آنجا برگزار می شود. برای همین به ذهنم رسید با مسئول مزرعه هماهنگی و کلاس مشاوره برگزار کنم.

خانم ها در حالی که دور هم جمع شده اند، با لبخند رضایت، صحبت های مولزاده را تأیید می کنند. این مشاور می گوید: همه مان دغدغه های روحی و ذهنی داریم که باید به آن هم رسیدگی شود؛ همان طور که حضور مادر طبیعت باعث شادی و نشاط می شود، باید به آن دغدغه ها هم توجه کنیم. برای همین در هفته یک ساعتی هم به این موضوع اختصاص می دهیم تا خانم ها واقعا با حال خوب به خانه برگردند.

برای بسیاری از بانوان خانه دار، بازنشستگان و زوج ها، این مزرعه و مرکز امداد، سرگرمی و درمان است. روزهایشان با برداشت سبزی و گفت و گو با همسایگان پر می شود. زهرافدایی پنجاه ساله، درباره تأثیر روحی مزرعه می گوید: وقتی اینجا هستم، همه دغدغه هایم از بین می رود. هر روز که محصولاتم را می چینم و با دیگران تقسیم می کنم، حس می کنم عضوی مؤثر هستم. اتفاقات اینجا و دورهمی هایش، ارزشمندتر از هر کلاس تئوری است.

سبزی می کارم و مشاوره می دهم

صبح و پارک و کشاورزی

در یکی از روزهای آذر، راهی پارک می شویم. گرچه پوشش بیشتر مردم پاییزی شده، هنوز خورشید گرم می تابد. در پارک، بعد از مزار دو شهید گمنام که از سال ۹۵ میهمان محله اندیشه شده اند، از سمت راست، تابلو «مزرعه کشاورزی شهری» آشکار است. از دور، برای تازه واردهایی مثل ما که بار اول است به اینجا می آییم، هیچ فعالیت کشاورزی پیدا نیست. قدم ها که بیشتر می شود، کرت ها هم پیدا می شوند. نور خورشید بر ردیف سبزی ها می تابد. بعضی ردیف ها، با پلاستیک های بزرگ پوشانده شده و ظاهری گلخانه ای پیدا کرده است. نسیم خنکی در جریان است و چند بانوی خوش رو حیه مشغول گپ زدن هستند. فاطمه غلامی چهل و هشت ساله یکی از آن ها است. دسته های سبزی شاهی چیده شده را گرفته است و با لبخندش، ما را به سمت خود می کشاند. او که از شروع به کار مزرعه، صاحب کرت شده است، می گوید: ما خودمان زمین داریم و پدرم زراعت می کند. با خاک و کشاورزی غریبه نیستیم. وقتی اینجا راه افتاد، فوری درخواست کرت کردم. چون کشت و کار را دوست دارم، ولی رفتن سر زمین پدری برای ما که در شهر زندگی می کنیم، کار سختی است. ساکن محله اندیشه، سبزی های سرچالشان را نشان می دهد و دنباله حرفش را می گیرد: «اینجا با دست خودم سبزی ها را می کارم و بعد هم برداشت می کنم. تا حالا خانواده خودم، خاله و دایی و همه آشنایان از محصول این زمین کوچک استفاده کرده اند. حس خیلی خوبی دارد که محصول خودت را ببینی و بعد با دوستان و خانواده ات تقسیم کنی.»

دورهمی در طبیعت

اینجا در حاشیه خیابان پررفت و آمد، نشانه ای از استرس و هیاهو نیست. تعداد اهالی با چهره های پراز لبخند و شادی بیشتر می شود. مهناز شبانی شصت و چهار ساله یکی از خانم های فعال است که هیچ ابایی ندارد دست هایش خاک را لمس کند. محصولات را بررسی می کند. خاک را زیرورو و درباره آبیاری و کوددهی با دوستانش، یعنی صاحبان کرت های مجاور صحبت می کند. او اینجا را فضایی برای آرامش گرفتن، هم معرفتی می کند که در کنارش مشارکت اجتماعی و حضور مستقیم در طبیعت را هم تجربه می کند. شبانی با لبخند می گوید: هر روز از ۱۰ صبح تا ۱۱:۳۰ در مزرعه هستم. اینجا فقط کشاورزی نیست؛ دورهمی خانم ها و حس دوستی برقرار است. بهترین اوقات من وقتی است که با دوستانم سبزی می کاریم و یاد می گیریم چگونه با طبیعت تعامل کنیم. این بانوی ورزشکار می افزاید: تا قبل از اینکه مزرعه باشد، با دوستانم می آمدم در پارک قدم می زدیم و ورزش می کردیم. برای همین ما اولین کسانی بودیم که متوجه شکل گیری مزرعه شدیم. سبزی خوردن و سیر می کاریم. هم لذت می بریم و هم کنار غذایمان از آن ها بهره می بریم.

